

## Interpretive Methodology and Governance Approach in Ayatollah Khamenei's Interpretation of Surah Hashr in Comparison with Contemporary Social Exegeses

Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Injdan \*

*Doctoral student of the specialized training center for Qur'anic interpretation and sciences of Qom seminary*

Abdolkarim Bahjatpour

*Doctoral student of Islamic Culture and Thought Research Institute*

### Abstract

The interpretation of the Holy Quran is one of the most important scholarly activities of Ayatollah Khamenei, which has not been given much attention due to his political and social activism. He has been engaged in this important task with a social approach and in accordance with the conditions and issues of society in two periods: before and after the victory of the Islamic Revolution. During his presidency, his deep understanding and comprehensive knowledge of the problems of society paved the way for holding interpretation sessions on Surah Hashr, which had a theme similar to the conditions of Iranian society at that time. His interpretive understanding, combined with the two factors of contemplation and adaptation, has provided the audience with a set of Quranic governance rules, and this is what distinguishes his interpretation from other social exegeses. In this article, we will explain his interpretive methodology by presenting an example. Employing a descriptive-analytical method, we will arrive at a set of Quranic governance rules. By comparing these rules with the opinions of other social interpreters who have not addressed them, we will reveal the distinctive feature of Ayatollah Khamenei's interpretation methodology in addressing social issues. These rules include: the predominance of divine laws, the necessity of relying on the masses, the philosophy of Islamic Jihad, the inevitability of repelling evil with lesser evil, the prohibition of creating a class gap, the necessity of solidarity among believers, and avoiding social self-forgetfulness.

**Keywords:** Interpretation, Ayatollah Khamenei, Governance, Surah Hashr, Exegesis.

---

\* Email: s.musavi@chmail.ir (Corresponding Author)

## روش تفسیری و رویکرد حکمرانی تفسیر سوره حشر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تطبیق با تفاسیر اجتماعی معاصر

| سید محمدباقر موسوی اینجدان<sup>۱\*</sup> |  
| عبدالکریم بهجت‌پور<sup>۲</sup> |

### چکیده

تفسیر قرآن کریم از مهم‌ترین فعالیت‌های علمی آیت‌الله خامنه‌ای است که در سایه تلاش‌های سیاسی، اجتماعی ایشان چندان مطرح نشده است. ایشان در دو دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با رویکردی اجتماعی و متناسب با شرایط و مسائل جامعه، به این مهم اشتغال داشتند. در دوران ریاست جمهوری معظم‌له، درآشنایی و اشراف جامع‌تر به مسائل جامعه، زمینه‌ساز برگزاری جلسات تفسیر سوره حشر شد که مضمونی مشابه شرایط آن روزگار جامعه ایرانی داشت. فهم تفسیری ایشان با دو عامل تدبیر و تطبیق ترکیب شده و مجموعه‌ای از قواعد حکمرانی قرآنی را در اختیار مخاطبان قرار داده است و همین ویژگی سبب تمایز تفسیر معظم‌له از سایر تفاسیر اجتماعی شده است. ما در این مقاله با تشریح نمونه‌ای، به تبیین روش تفسیری ایشان پرداختیم و با روش توصیفی - تحلیلی به قواعدی از حکمرانی قرآنی دست یافتیم که در تطبیق آن‌ها با آراء دیگر مفسران اجتماعی که پرداختی به آن نداشتند، آشکارکننده ویژگی ممتاز تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای در پرداخت به مسائل اجتماعی است. قواعدی مانند: غلبه قوانین الهی، ضرورت تکیه بر توده مردم، فلسفه جهاد اسلامی، اجتناب‌ناپذیر بودن دفع افسد به فاسد، ممنوعیت ایجاد شکاف طبقاتی، ضرورت همدلی مؤمنان، پرهیز از خودفراموشی اجتماعی.

**واژگان کلیدی:** تفسیر اجتماعی، آیت‌الله خامنه‌ای، حکمرانی، سوره حشر.

۱. دانشجوی دکتری مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم

\*Email: s.musavi@chmail.ir

\* نویسنده مسئول:

۲. دانش‌آموخته دکتری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

## مقدمه

مفسر اجتماعی با ذهنی درگیر از مسائل و نیازهای جامعه و دغدغه رفع آن‌ها، به سراغ قرآن کریم می‌رود تا با اعتماد به قول خداوند متعال که «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (الإسراء: ۹) به کشف و استخراج حل‌المسائل قرآنی موفق شود. از این‌رو هرچه این مفسر بیش‌تر در ارتباط با آحاد جامعه بوده و از نزدیک، افکار، پرسش‌ها و نیازهای جامعه را حس و لمس کرده باشد، در استفهام برنامه‌ها و راهکارها از قرآن کریم موفق‌تر خواهد بود. آیت‌الله خامنه‌ای هم به‌عنوان یک مفسر اجتماعی در این زمینه در تلاش است تا بهترین بهره‌ها را از قرآن کریم ببرد. تفسیر ایشان به‌واسطه برگزاری به‌صورت جلساتی با حضور مخاطبانی از قشرهای مختلف در جهت پاسخگویی به نیازهای اجتماعی بسیار کاربردی است. زیرا اقتضای چنین جلساتی بر آن است که با عرفی‌سازی مفاهیم پیچیده، پاسخ به شبهات، تبیین سنت‌های الهی و تطبیق بر مسائل جاری، مخاطب را از آموزه‌های قرآنی بهره‌مند سازد. علاوه بر ویژگی‌های یادشده، آنچه این تفسیر را حائز اهمیت کرده و نسبت به تفاسیر اجتماعی دیگر ممتاز می‌کند، عنایت ویژه معظّم‌له به مقوله حکمرانی است که این امر تحت تأثیر شخصیت اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای قرار دارد. طبیعی است که ایشان به‌واسطه شأن دینی و فعالیت‌های تبلیغی، رابطه مؤثر و گسترده‌ای با آحاد جامعه از طیف‌ها و گروه‌های مختلف داشته باشند که آثار این ارتباط در تفسیر ایشان نمود می‌یابد. شخصیت اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای به دو دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تقسیم می‌شود که اشتغال به بیان تفسیر از مهم‌ترین فعالیت‌های تبلیغی ایشان در هر دو دوره بوده است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان مبارزی در میدان بودند و تفسیر قرآن کریم را به‌عنوان ابزاری مؤثر جهت آگاهی‌بخشی به جامعه به‌کار می‌گرفتند. این جلسات که در فضای اختناق و فشار حکومت شاهنشاهی برگزار می‌شد، دارای مضامینی اجتماعی و هدایتی، شورانگیز و انقلابی بود که در آن صرفاً به بیان مطالب و معارف فرعی اسلام بسنده نمی‌گردید، بلکه آموزه‌های مهمی چون لزوم حاکم شدن دین بر جامعه و مبارزه با طاغوت در آن‌ها تبیین و تشریح می‌شد. از این‌رو حکمرانی قرآنی در زمینه مبارزه با طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی در آثار این دوره ایشان نمود بیش‌تری دارد و تأثیر کلامشان به اندازه‌ای بود که این فعالیت‌ها از جانب رژیم مورد بازخواست قرار می‌گرفت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به قبول مسئولیت‌های مهم اجرایی و اجتماعی از سوی معظّم‌له و به‌اقتضای شرایط تشکیل حکومت اسلامی و ضرورت نهادسازی و همچنین در سال‌های بعد با وقوع جنگ تحمیلی، رویکرد تفسیری ایشان به حکمرانی مرتبط با این مسائل سمت و سو پیدا کرد. یکی از جلسات مبارک تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در این دوران، دوره تفسیر سوره حشر است که در زمان مسئولیت ریاست جمهوری

و در جمع کارکنان دفتر، در ده جلسه و از هجدهم تیرماه تا بیست‌وسوم مهرماه ۱۳۶۱ برگزار شده است و تقریباً تمامی ۲۴ آیه این سوره مورد بحث قرار گرفت. این سوره حکایت مواجهه نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله با دشمنی خارجی (یهود) است که با هم‌دستی دشمن داخلی (منافقان) در پی نابودی نظام نوپای اسلامی در مدینه می‌باشد، شرایطی مشابه آنچه در سال شصت در میهن اسلامی ما در جریان بود. جمهوری اسلامی ایران سال‌های آغازین خود را سپری می‌کرد که با هجوم همه‌جانبه خارجی با پشتیبانی مستکبران جهانی و منافقان کوردل داخلی روبه‌رو شد. از این رو مفسر مدیر جامعه را بر آن داشت تا با تدبّر در آیات این سوره و تطبیق شرائط جامعه با آن، رهنمودهایی در جهت حکمرانی قرآنی پیرامون دفاع مقدس و فلسفه آن، نهادسازی اجتماعی در جهت مقابله با فقر، پدیده نفاق و مبارزه با آن و همدلی و همبستگی اجتماعی ارائه کند. استخراج قواعد حکمرانی تفسیر سوره حشر آیت‌الله خامنه‌ای و مقایسه تطبیقی این دستاوردها با تلاش‌های تفسیری دیگر مفسران اجتماعی، آشکارکننده فاصله و ویژگی ممتاز تفسیر معظّم‌له در استخراج قواعد حکمرانی قرآن است که بعون‌الله تعالی در این مقاله به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

### بیان مسأله و ضرورت آن

حکمرانی امروزه مفهومی فراگیر در مناسبات اجتماعی و آموزه‌های مرتبط با آن است که در هر مطالعه و پژوهشی پیرامون مسائل جامعه، رد پای از آن به چشم می‌آید. حوزه تفسیر اجتماعی هم از این قاعده مستثنا نیست و می‌توان با کنکاش در متون تفسیر اجتماعی به دستاوردهای حکمرانی مفسران این عرصه دست یافت. آیت‌الله خامنه‌ای هم یکی از این مفسران است که البته سابقه مبارزاتی و مدیریتی معظّم‌له موجب شده که در آثار تفسیری ایشان (به‌ویژه در تفسیر سوره حشر) چنین رویکردی از برجستگی خاصی نسبت به سایر مفسران برخوردار شود. با توجه به این مطلب اکنون این پرسش مطرح می‌شود که: نخست، روش تفسیری ایشان در تفسیر سوره حشر چیست؟ دوم، چه قواعدی در زمینه حکمرانی از تفسیر ایشان قابل استخراج است و وجه تمایز آن در تطبیق با آراء دیگر مفسران اجتماعی چیست؟ پاسخ به این دو سؤال موجب می‌شود که افق فکری آیت‌الله خامنه‌ای در مسائل اجتماعی، به‌ویژه امر حکمرانی برای خوانندگان آشکارتر گردد و فاصله دیدگاه‌های ایشان با سایر مفسران روشن‌تر خواهد شد. شایان ذکر است که در این پژوهش به مرحله سیاست‌گذاری حکمرانی پرداخته شده و بایدها و نبایدهای کلان در قالب قواعد حکمرانی مطرح شده است.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. تفسیر اجتماعی

تفسیر اجتماعی گرایشی از تفسیر اجتهادی است که مفسران دوران معاصر، اقبال بیش‌تری به آن نشان داده‌اند. مفسران اجتماعی قرآن کریم معتقدند هیچ کتاب آسمانی به اندازه قرآن کریم به بیان مسائل اجتماعی و رابطه انسان‌ها با یکدیگر نپرداخته و مسائل زندگی جمعی انسان را از جانب خداوند متعال بیان نکرده است. از این‌رو در این نوع تفسیر، به آیات از نگاه پدیده‌ها و حوادث اجتماعی با رویکردی مسأله‌محور نگریسته می‌شود و راهکار حل مشکلات اجتماعی در میان تفسیر آیات قرآن کریم جست‌وجو می‌گردد (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۹). برخی از مهم‌ترین تفاسیر اجتماعی عبارتند از: تفسیر مراغی (متوفای ۱۳۷۱ق)؛ فی ظلال القرآن، سید بن قطب شاذلی (متوفای ۱۳۸۶ق)؛ الکاشف، شیخ محمدجواد مغنیه (متوفای ۱۴۰۰ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی (متوفای ۱۴۰۲ق)؛ من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس‌ی؛ من وحی القرآن، سیدمحمد حسین فضل‌الله؛ تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران.

### ۲. حکمرانی

حکمرانی اصطلاحی رایج در مناسبات و مطالعات اجتماعی است که در تعریف آن آمده: «فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به‌منظور دستیابی به هدفی مشترک برای همه کُنشگران و ذی‌نفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است.» (تارنمای مدرسه حکمرانی شهید بهشتی) و هدف آن هم وارد کردن همه کُنشگران اجتماعی شامل دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد، اصناف و ... در عرصه اداره جامعه با ابزار دین، فرهنگ، زبان و ... است. حکمرانی سه گام اصلی دارد: ۱. سیاست‌گذاری: که شامل ترسیم وضع مطلوب و فرایند تعیین بایدها و نبایدهای کلان به‌منظور رسیدن به آن می‌شود. ۲. تنظیم‌گری: فرایند اجرای سیاست‌های کلان که شامل وضع قوانین، ساختارسازی، گفتمان‌سازی، اجرای قوانین، پایش و مراقبت، اصلاح قوانین می‌شود. ۳. تصدی‌گری یا خدمات عمومی: که مرحله به نتیجه رسیدن سیاست‌ها است (گرگی‌ازندریانی، ۱۴۰۲: ۱۱۶-۱۱۷).

### پیشینه پژوهش

در زمینه دیدگاه حکمرانی آیت‌الله خامنه‌ای، به این مقالات دست یافتیم:

۱. «پایه‌سازی رویکردی نسخ مشروط در استخراج اصول حکمرانی با محوریت سوره براءت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» نگارش محمدمامین ستاریان و مهدی گرگی‌ازندریانی.

در این مقاله با محوریت تفسیر سوره براءت آیت الله خامنه‌ای و به روش کتابخانه‌ای، آیات ناسخ و منسوخ بررسی شده و با گردآوری زنجیره آیات و بررسی سیاق و فضای نزول آن‌ها، برخی اصول حکمرانی استخراج شده است.

۲. «اصول و روش حکمرانی مطلوب در انقلاب اسلامی با رویکردی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» نگارش علی اخترشهر.

در این اثر با روش تحلیل محتوا چنین نتیجه گرفته که مفاهیم و عناصر نظریه حکمرانی مطلوب، تضاد و تعارضی با اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای ندارد، اما نظریه حکمرانی مطلوب از دیدگاه ایشان، بر اصولی استوار است که از طریق خودسازی، جامعه‌سازی و دولت‌سازی امکان‌پذیر خواهد بود و همین امر می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را در گام دوم انقلاب اسلامی به جایگاه مطلوب و کارآمدتری برساند.

۳. «شاخص‌های حکمران و حکمرانی اسلامی با نگاهی به آرای آیت‌الله خامنه‌ای» نگارش امیر نوده‌فراهانی.

این پژوهش با تحلیل محتوای کیفی سخنان آیت‌الله خامنه‌ای به شاخص‌های حکمرانی اسلامی از دیدگاه ایشان پرداخته و به مواردی مانند: توحید، توجه به اخلاق، تقوا، علم و ... اشاره می‌کند. مشاهده می‌کنیم که در این تلاش‌های علمی، به نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه قواعد حکمرانی توجه نشده است. از این‌رو در این مقاله با تبیین ویژگی‌های روش تفسیری معظم‌له در تفسیر سوره حشر، دیدگاه‌های مهم حکمرانی ایشان در این تفسیر بیان شده و با مقایسه این دیدگاه‌ها با آراء تفسیری دیگر مفسران اجتماعی معاصر، ویژگی‌های ممتاز آن آشکارتر شد. البته شایان ذکر است که به تازگی همایشی بین‌المللی با عنوان: «اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای» برگزار شده است که در آن آثار قابل توجهی در زمینه دیدگاه‌های تفسیری و حکمرانی معظم‌له نگارش یافته است که ان‌شاءالله تعالی به زودی همگان از نتایج آن بهره‌مند خواهند شد.

### روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر خود از روش اجتهادی بهره برده و رویکردی تربیتی، اجتماعی به آن دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۳ و ۱۷) ایشان در مرحله نخست، با تعقل در فهم آیات و با به‌کارگیری ابزارهای متعارف فهم قرآن مانند لغت‌شناسی، توجه به سبب نزول، ارتباط بین آیات، روایات، روش قرآن به قرآن و ... در تلاش هستند، به مقصود آیات دست یابند. سپس با عنایت به رویکرد اجتماعی تفسیر ایشان، شاهدیم که با تدبیر در مفاهیم به‌دست آمده و عمق‌بخشی به آن‌ها، به تبیین مطالب پرداخته و مخاطب را به فهم بهتری از آموزه‌های قرآن کریم می‌رسانند. در مرحله سوم، معظم‌له با

درک مسائل و نیازهای جامعه، به تطبیق مفاد آیات بر شرایط و حوادث اجتماعی جامعه و جهان معاصر خود می‌پردازند و با ارائه راهکارها و برنامه‌های قرآنی، مخاطب تشنه حقایق کاربردی قرآن را سیراب می‌سازند. برای نمونه، ایشان در تفسیر آیه اول سوره حشر «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» با بهره‌گیری از لغت‌شناسی، تسبیح را به معنای تنزیه پروردگار از همه صفات نقص بیان داشته (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۹۲) و با عمق‌بخشی به این مفهوم، به لازمه معنای یادشده یعنی درنهایت کمال، قدرت و عظمت بودن پروردگار توجه می‌دهند. ایشان در ادامه و در تبیین تسبیح موجودات، دو احتمال مطرح می‌کنند که احتمال نخست (صرف وجود و رشد موجودات، نشان از وجود پروردگار منزله باشد) را با عنایت به آیه «... إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (اسراء: ۴۴) رد نموده و احتمال دوم که این تسبیح، امری ماورای اصل خلقت آنان است و مخلوقات با نطقی دیگر به تسبیح خداوند مشغولند و تنها اهل معرفت آن را درک می‌کنند، تقویت می‌نمایند. ایشان به این مقدار بسنده نکرده و در جهت درک بهتر مخاطب و رفع تعجبش از چنین تسبیحی که عموم مردم قادر به درک آن نیستند، مثالی مطرح می‌کنند که الکتروسیته با اینکه در طبیعت موجود بوده، اما تا حدود ۱۵۰ سال پیش برای مردم قابل درک نبوده است تا اینکه توسط دانشمندان کشف شد. معظّم‌له با ارتباطی صدر و ذیل آیه، دو صفت الهی «عزیز» و «حکیم» یادشده در انتهای آیه را در ارتباط با معنای یادشده تسبیح دانسته و با عنایت به آیه «... وَ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف: ۲۱) «عزیز» را غالب غیرمغلوب معنا می‌کنند. در بخش تطبیق نیز می‌بینیم آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به حادثه تاریخی مقارن با نزول سوره حشر، یعنی غلبه مسلمانان بر یهود بنی‌النضیر و اخراج آنان از سرزمین‌شان، تسبیح ابتدایی سوره را قدرت‌نمایی خداوند برمی‌شمارند که به مؤمنان می‌فهماند خداوند قاهر متعال، بر چنین کاری تواناست و جای تعجب ندارد که یهود با آن قدرت ادعایی، مغلوب چنین خداوندی شود. پس در روزگار ما هم جای تعجب نیست که آمریکا و شوروی به اراده الهی، مغلوب ملت ایران گردند، آنچنانی که در ماجرای پیروزی انقلاب اسلامی شکست خوردند و حالا هم در جریان جنگ تحمیلی، یک‌بار دیگر با اتکا به خداوند سبحان مغلوب می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۸-۲۰). شاهدیم که ایشان با تدبّر در این آیه و با استفاده از ابزارهای تفسیری به مفاهیم عمیق‌تری از مفاد آیه دست یافتند و با تطبیق آن بر حوادث جاری، موجب امیدآفرینی در مخاطب گردیدند. در نمونه‌ای دیگر از عنایت معظّم‌له به سیره نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و مستندات تاریخی، می‌بینیم که ایشان ذیل تفسیر آیه نهم سوره حشر، با استناد به گزارشی تاریخی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برخی از انصار را هم مانند مهاجران در تقسیم فای سهم کردند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۴۸/۱۴) حرف

واو ابتدای آیه را عاطفه دانسته‌اند تا با عطف «الذین تبوءوا الدار» به «المهاجرین» در آیه قبل، از مستند قرآنی شراکت انصار در فیه پرده بردارند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۲۵-۱۲۶). از دیگر نکات بارز تفسیر سوره حشر آیت‌الله خامنه‌ای، توجه ایشان به ارتباط بین آیات است که نقش مهمی در فهم غرض و هدف سوره دارد. خداوند متعال در دو آیه ۱۳ و ۱۴ سوره حشر، یهود بنی‌النضیر را به دو صفت «لا یفقهون» و «لا یعقلون» توصیف می‌کند. معظم‌له ضمن تشریح تفاوت تفقه با تعقل، به این نکته تذکر می‌دهند که دیدن دست خدا در ماورای اسباب ظاهری، نیاز به فهم عمیق و تفقه دارد «لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (الحشر: ۱۳) اما ضرورت یکپارچگی جهت غلبه بر دشمن امری است که درک آن از پیچیدگی خاصی برخوردار نیست «لَا يقاتلونكم جميعاً إلا في قرى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعاً وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (الحشر: ۱۴). از این رو یهود بنی‌النضیر علاوه بر اینکه از فهم حد اکثری برخوردار نیستند، از فهم حداقلی هم بی‌بهره هستند! (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۶۴) در موردی دیگر، در آیات آخرین سوره با اسمای حسناى الهی مواجه هستیم، آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به چگونگی ارتباط ذکر این اسماء با آیات قبل، دو احتمال مطرح می‌فرماید. در احتمال دوم که مورد قبول ایشان است، معتقدند از آنجاکه در آیه ۲۱ سوره حشر سخن از خشیت الهی و ضرورت خشوع انسان در برابر اوست «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ... الآية» ذکر این اسماء و صفات بیانگر چرایی ضرورت این خشوع است، زیرا تنها خداوندگاری با این صفات و ویژگی‌ها شایسته خضوع انسان می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۱۲-۲۱۳).

### حکمرانی قرآنی سوره حشر از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

عناوین قواعد حکمرانی برگرفته از تفسیر سوره حشر آیت‌الله خامنه‌ای که به ابعاد سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی در حکمرانی عنایت دارد، به این شرح است:

شماره	قاعده حکمرانی	آیات سوره حشر
۱	غلبه قوانین الهی	۱
۲	ضرورت تکیه بر توده مردم و توجه به دشمنی برخی روشنفکران	۲
۳	فلسفه جهاد اسلامی، مبارزه با دشمنان خدا	۴-۵
۴	اجتناب ناپذیر بودن دفع افسد به فاسد	۵
۵	قانون انفال و حکمت در اختیار گذاشتن بخشی از انفال به خویشان پیغمبر (ص)	۶-۷
۶	ممنوعیت ایجاد شکاف طبقاتی	۶-۷



۷	ضد فقر بودن نظام اسلام	۸
۸	اثبات صدق ایمان در میدان مجاهده و عمل	۸
۹	ضرورت سامان یافتن دین و ایمان در محیط اجتماع	۹-۱۰
۱۰	اهمیت همدلی و برادری مسلمان‌ها در جامعه اسلامی و ایجاد فضای مطلوب زندگی برای غیرمسلمان‌ها در محیط اسلامی	۹
۱۱	حرمت‌گذاری به نسل پیشگام در نهضت اسلامی	۱۰
۱۲	مراقبت و حفاظت از ایمان جامعه از راه تقوا	۱۱-۱۳
۱۳	نفاق دوجانبه منافقان با مومنان و کافران	۱۱-۱۳
۱۴	پرهیز از خودفراموشی اجتماعی	۱۸-۱۹
۱۵	ممنوعیت حکمرانی بر مردم	۲۳-۲۴
۱۶	ضرورت یادکرد خدا در همه حال	۲۳-۲۴

که ما از میان آن‌ها به شرح و تفصیل برخی پرداخته و با دستاوردهای دیگر مفسران اجتماعی تطبیق خواهیم داد.

### ۱. غلبه قوانین الهی

سوره حشر با تسبیح الهی آغاز می‌شود «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» که به معنای تنزیه پروردگار از همه نقص‌ها و عیب‌ها است (اصفهان‌ی، ۱۴۱۲: ۳۹۲). حال ارتباط این تسبیح در آغاز سوره با بیان ماجرای یهود بنی النضیر و شکست‌شان چیست؟ برخی مفسران با اینکه به مقدمه بودن این آیه در بیان ماجرای یهود اشاره کرده‌اند، (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۸۷/۲۳)، اما به تبیین آن نپرداخته‌اند. در این میان، آیت‌الله خامنه‌ای با عنایت به لازمه معنای تسبیح، نکات ارزنده‌ای را یادآور شده‌اند. ایشان معتقد است این تسبیح شروعی است برای بیان قدرت و سیطره الهی بر جمیع اشیاء عالم، زیرا تنها این کامل بی‌نقص می‌باشد که بر همه موجودات ناقص برتری و سروری دارد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۶). ذکر دو صفت «عزیز» و «حکیم» هم در پایان آیه که به معنای «غالب غیر مغلوب» و «صانع ممتقن» است، تأکیدی بر قدرت لایزال الهی می‌باشد. از این رو تعجیبی ندارد که یهود بنی النضیر مغرور به امکانات خود در برابر پروردگار «وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ» از خدایی با صفات یادشده شکست خورده «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ» و از جایی که حساب نمی‌کردند، متحمل این

ضربات شوند. «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا» پس تنها خداوندی با چنین قدرت محض، شایسته اعتماد اهل ایمان در کارزارشان با دشمنان است. آیت‌الله خامنه‌ای ضمن التفات به این مطلب، یادآور می‌شوند که ابرقدرت‌های امروز هم مانند بنی‌النضیر دچار غرور از داشته‌های خود هستند و ما با درس‌آموزی از این آیات، قادریم بر آنان چیره شده و مایه شکست‌شان را فراهم آوریم. نکته جالبی که مورد توجه معظم‌له نیز قرار گرفته است، اینکه همین ترکیب واژگان با اندک اختلافی در آخرین آیه این سوره هم تکرار شده است «... يَسْبِغُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (الحشر: ۲۴) که تأکیدی بر مطالب گذشته می‌باشد. پس اقتضای حکمرانی قرآنی در مقابله با دشمنان بر این است که مؤمنان بر قدرت قاهره الهی تکیه کرده و از قدرت‌های ظاهری و پوشالی هراسی نداشته باشند. ایران اسلامی هم در دفاع مقدس با دشمنانی مواجه بود که مغرور عده و عده خود بوده و تطبیق سرگذشت بنی‌النضیر بر آنان موجب امیدواری مؤمنان در شکست‌پذیری جبهه باطل می‌شد، امری که مورد تصریح معظم‌له هم قرار گرفته است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۷).

برخی مفسران از تسبیح و معرفت اسماء حسنا الهی به‌عنوان بزرگترین عامل جلب انسان به سوی عبادت و تسلیم در برابر پروردگار یاد کرده‌اند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۱۴/۱۵). اما از چگونگی ارتباط بین تسبیح موجودات با ظهور قدرت قاهره الهی بیانی نداشته‌اند. برخی دیگر، این آیه را مقدمه‌ای برای ذکر جریان بنی‌النضیر دانسته (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۱/۱۹) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۸۷/۲۳) و یا این تسبیح آغازین را به معنای حمد و شکر مؤمنان در برابر فتح سرزمین یهود برشمرده‌اند (قطب، ۱۴۲۵: ۳۵۱۸/۶) (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۵۸/۲۸) فتوحی که نشانه عزت و حکمت الهی است (مراغی، بی‌تا: ۳۳/۲۸).

## ۲. ضرورت تکیه بر توده مردم و توجه به دشمنی برخی روشنفکران

حرکت انقلابی و اصلاحی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با پشتوانه نصرت الهی و یاری توده مردم مؤمن به ثمر نشست و در برابر توطئه‌ها پیروز شد که خداوند متعال هم این یاری مؤمنان را در ردیف یاری خود برمی‌شمارد. «وَإِنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (الأنفال: ۶۲) اما بودند افراد به اصطلاح امروزی روشنفکر که ادعاهای گزاف داشتند و با وجود هم‌فکری با جریان اصلاحی، از همراهی با توده محروم و مستضعف خودداری می‌کردند. آیت‌الله خامنه‌ای ذیل آیه دوم سوره حشر، با عنایت به علت مهاجرت یهود بنی‌النضیر به مدینه و صفات و نوع رفتارشان، آنان را روشنفکران آن جامعه برشمرده‌اند که با علم به رسالت نبی مکرم صلوات‌الله‌علیه‌وآله و فراگیر شدن دعوت ایشان، جایگاه خود را برتر از آن می‌دانستند که با مؤمنان محروم همراه شده و در راه اعتلای دین الهی تلاش کنند. از این رو خود را کنار کشیده و منتظر فرصت بهره‌برداری از

زحمات مؤمنان بودند و بعد از ناامیدی از دست‌یابی به اهداف خود، با خیانتی آشکار، همراه و یاور دشمنان اسلام شدند. ایشان در ادامه با تطبیق شیوه عمل و منش روشنفکران ایران در پیش از انقلاب اسلامی بر عمل یهود بنی‌النضیر، به شباهت فکری و رفتاری این دو دسته اشاره می‌فرمایند:

«همان آدم‌هایی که حاضر نبودند با کفار و مشرکان کنار بیایند و منتظر پیغمبر آخرالزمان بودند، حالا علیه همان پیغمبر آخرالزمان رفتند با کفار و مشرکان همدست شدند؛ واقعاً مثل همان روشنفکران زمان قدیم؛ عیناً همان جور؛ که منتظر يك انقلاب، منتظر يك حرکت ضدآمریکایی، منتظر يك حرکت روشنفکرانه، حرکت آزادی‌خواهانه [بودند، ولی] حالا که آن حرکت به وجود آمده، رفتند با خود آن آمریکا و با خود آن ارتجاع منطقه و با خود آن دشمنان کمر بسته جهانی، هم‌پیمان شدند علیه این انقلاب» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۹).

ایشان در ادامه با عنایت به فراز «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» از سرگذشت این دسته از یهود و ایستادگی و همراهی توده مؤمنان با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در مواجهه با آنان، بر لزوم تبعیت از رهبری در مسیر انقلابی ماندن تأکید می‌کنند و با تطبیق حوادث تاریخی یادشده بر اتفاقات آن روزگار، حکمرانی قرآنی را بر اساس تکیه بر عموم مردم می‌دانند که با صبر و ایستادگی و غلبه بر ضعف‌ها، در جهت اعتلای نظام اسلامی می‌کوشند.

از میان مفسران اجتماعی کسی مُتَفَتِّنْ این قاعده نشده و تنها برخی به توضیح مفاد آیه بسنده (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰۰/۲۲-۹۸) و برخی دیگر به اجمال (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۱/۱۹-۲۰۲) و به تفصیل به ماجرای یهود اشاره کرده‌اند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۸۸/۲۳-۴۹۲) (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۵۹/۲۸-۶۵). سید قطب ابتدا با توجه به شأن نزول آیه، خداوند را عامل اصلی اخراج بنی‌النضیر از آن سرزمین دانسته و عواملی مانند عامل داخلی ترس و وحشت را از اصلی‌ترین طرق این اخراج تلقی کرده است (قطب، ۱۴۲۵: ۳۵۲/۶-۳۵۲۲). در این میان، آیت‌الله مدرسی اراده قاهره الهی و توفیق مؤمنان بر خذلان کافران را برجسته کرده و با تشبیه رژیم صهیونیستی به بنی‌النضیر که مدعی زورمندی و قدرت می‌باشد، وعده الهی بر سرکوب آنان را یادآور شده است. ایشان در همین راستا حکمی متناسب با حکمرانی از آیه استخراج می‌کنند که: «اگر این دسته باز هم بخواهند با اسلام به منازعه و ستیز برخیزند، جنگ و مبارزه با آنان واجب است» (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۵-۲۱۶/۲۱۸). مراغی هم در تفسیر این آیه، به این نتیجه رسیده که اعتماد بر غیر خدا نتیجه‌ای غیر از خواری ندارد (مراغی، بی‌تا: ۳۵/۲۸).

## ۳. فلسفه جهاد اسلامی، مبارزه با دشمنان خدا

همواره دعوت و حرکت اصلاحی پیامبران الهی همراه با دشمنی‌هایی بوده است. «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ ... الْآيَةَ» (الأنعام، ۱۱۲) به تبع آن مؤمنان نیز به واسطه حمایت از انبیاء الهی در معرض این خصومتها قرار گرفته و مورد هجمه دشمنان بودند. در این مواقع، عقل سلیم و حمیت دینی اقتضا می‌کند که به مقابله چنین دشمنانی رفته و با ناتوان سازی آنان با روشهای ممکن، مانع آسیب دیدگی مادی و معنوی جامعه ایمانی شویم که قرآن کریم هم اشاره‌ای به همراهی و ایستادگی مؤمنان با پیامبران در این جهت دارد. «وَ كَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلْ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۶) رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و دین مبین اسلام هم از این قاعده مستثنا نبوده و نیستند و تاریخ شاهد هجمه‌های بی شماری علیه امت اسلامی از صدر اسلام تا به امروز بوده است. اما در این بین، حکمرانی قرآنی اقتضا می‌کند تا با تبیین چرایی لزوم این مقابله، به تشویق مؤمنان به مشارکت در این دفاع مقدس پردازد که در آیه «وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (النساء: ۷۵) شاهد نمونه‌ای از آن هستیم. از نمونه‌های دیگر می‌توان به آیه چهارم سوره حشر اشاره کرد «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ مَنْ يَشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ سَدِيدُ الْعِقَابِ» که مجازات بنی النضیر را به سبب دشمنی با خدا و رسولش برمی‌شمارد. آیت الله خامنه‌ای نیز با توجه به جریان دفاع مقدس در آن روزگار که نمونه‌ای تاریخی از ایستادگی جبهه حق در برابر متجاوزان جهانی به دین و ملت اسلام بود، با ژرف‌اندیشی در این آیه، به حکم ضرورت مقابله و اقدام نظامی با هر آن کس که چشم طمع به دستاوردهای جامعه ایمانی دارد، دست یافته‌اند:

«اگر کسانی آمدند و خواستند بساط تازه چیده با خون رشد کرده با زحمت به بار آمده اسلام را به هم بزنند چه؟ اسلام دست روی دست بگذارد، تماشا کند که بیایند محصول خون انسان‌ها، محصول تلاش انسان‌ها را از بین ببرند؟ این عاقلانه نیست. اسلام و ادیان الهی هرگز این چنین بی تفاوت و خون‌سرد و خنثی با دشمنانشان برخورد نمی‌کنند.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۶۲).

ایشان علت این دشمنی‌ها را به خطر افتادن منافع قدرت‌ها دانسته و با تمثیلی زیبا، شمشیر مجاهدان را شبیه خارهای پیرامون گل ارزش‌های دینی جامعه اسلامی می‌دانند که به دفاع از موجودیت و شرافت آن اقدام می‌کنند و با تطبیق این سنت الهی به دفاع مقدس، مقاومت سلحشورانه

رزمندگان اسلام را در دفاع از انقلاب و میهن اسلامی در این زمینه تحلیل می‌نمایند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۶۹). این تبیین‌ها با توجه به جایگاه مدیریتی معظّم‌له و شبّهاتی که از جانب برخی ساده‌لوحان و مغرضان پیرامون ماهیت دفاعی و مقدّس جنگ تحمیلی مطرح می‌شد، از جایگاه مهمی برخوردار بوده است.

دیگر مفسّران به فلسفه یادشده تذکری نداده و به شرح واژه «شقاق» و چرایی عدم ذکر رسول در فقره دوم آیه پرداخته (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۵۱/۱۹) و یا آیه را هشدار و تهدیدی برای همه کسانی که به دشمنی با خدا و رسولش اقدام کنند، دانسته‌اند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۹۴/۲۳) (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲۸۴/۷) (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۶۶/۲۸) (مراغی، بی‌تا: ۳۵/۲۸). در این میان دو مفسّر به ریشه‌یابی این مخالفت و دشمنی یهود بنی‌النضیر اشاره کرده و به دو عامل روح خبیثی که با عظمت الهی در تضاد است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰۱/۲۲) و روحیه خود برترینی یهود و اینکه خود را فرزند خدا می‌دانند، اشاره نموده‌اند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۲۲/۱۵).

#### ۴. اجتناب‌ناپذیر بودن دفع افسد به فاسد

رعایت عدالت از دستورات مؤکّد قرآنی است که حتی در برخورد با دشمنان هم مأمور به آن هستیم «... وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ... (الآیة)» (المائدة: ۸) در جنگ‌ها می‌بینیم که چه جنایت‌ها و تجاوزاتی صورت می‌گیرد، اما یک مسلمان، ضمن دریافت فرمان جهاد با دشمنان، از تجاوز حدود و تعدّی به ضعیفان نهی می‌شود. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْقَهُوْنَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (البقرة: ۱۹۰) از این رو نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در جنگ‌ها فرمان می‌دادند که به زنان و کودکان تعرضی نداشته باشید، آسیبی به حیوانات و گیاهان نرسانید و ... اما در قصه بنی‌النضیر شاهدیم که ایشان دستور به قطع درختان خرما می‌دادند، امری که موجب سرزنش یهود قرار گرفت و منافقان هم جهت تضعیف روحیه مجاهدان و تنقیص شخصیت نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرصت را غنیمت شمرده و به شایعه‌پراکنی مشغول شدند. خداوند متعال هم با نزول آیه پنجم سوره حشر، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را مأذون از جانب خود دانسته و ضمن پاسخ به شبّهات، هدف از این کار را هم خوار کردن فاسقان بیان می‌دارد. «مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ لِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ» آیت‌الله خامنه‌ای با تعمّق در این آیه و توجه به نقل تاریخی این واقعه، به یک قاعده حکمرانی و تاکتیک نظامی دست یافتند. به‌عنوان مقدمه باید یادآور شد که انسان گاهی بر سر دو راهی‌هایی قرار می‌گیرد که ناگزیر به انتخاب است، بین اهمّ و مهم و بین فاسد و افسد. عقل سلیم اقتضا می‌کند که در این حالت، اهمّ را بر مهم و فاسد را بر افسد ترجیح دهد. مانند طبیعی که به‌منظور جلوگیری از سرایت

عفونت به کل بدن، ناچار به قطع یک عضو می‌شود. ایشان هم با ذکر مثال یادشده، قطع درختان یهود را فاسدی برمی‌شمرند که نسبت به افسد حضور یهود و توطئه‌های آنان اولویت می‌یابد و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با این کار، در پی قطع علاقه و ارتباط یهود با این سرزمین هستند تا از آنجا دل‌کنده و به تبع کوچ‌شان، دفع شر آنان گردد. ایشان این اقدام را به نوعی پیش‌دستی در مواجهه با یهود می‌دانند که هرچند صورت مناسبی ندارد، اما با توجه به روحیه و دل‌بستگی یهود به اموال خود، اقدامی کارآمد و مؤثر در سرکوبی آنان است. معظّم‌له در اینجا گریزی به مسأله فلسطین می‌زنند و با تطبیق یهود بنی‌النضیر به یهود اسرائیل، معتقدند اگر این مشی قرآنی مورد توجه مسلمانان قرار می‌گرفت و در آغاز پیدایش اسرائیل مسلمانان به وظیفه خود عمل می‌کردند، کار به شکل‌گیری و قوت دولت و ملت یهود در سرزمین فلسطین نمی‌انجامید تا امروز شاهد جنایت‌های آنان باشیم (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۸۰-۷۷). پس دفع افسد به فاسد از قواعد حکمرانی برگرفته از آیه پنجم سوره حشر و سیره نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌عنوان تاکتیکی نظامی هم قابل تحلیل است که باید مورد توجه قرار گیرد.

برخی مفسران به بیانی مختصر در شرح آیه اکتفا کرده و اشاره‌ای به حکمت‌های فرمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نکردند (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰۲/۲۲-۱۰۱) (مراغی، بی‌تا: ۳۵/۲۸-۳۶) (قطب، ۱۴۲۵: ۳۵۲۳/۶-۳۵۲۲). علامه طباطبایی با ذکر روایتی، شأن نزول آیه را اعتراض یهود به قطع درختان خرما براساس فرمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان می‌دارد که حکمت‌هایی از جمله خوار ساختن فاسقان بر آن مترتب بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۳/۱۹). ابن‌عاشور با تشریح واقعه، به مأذون بودن نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله از جانب خداوند متعال براساس آیه کریمه اشاره کرده و در این خصوص بحثی فقهی را مطرح می‌کند. او در پایان به این نتیجه می‌رسد که با وجود مصلحت اهم، آتش زدن خانه دشمن و تخریب و قطع درختانش جایز است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۶۶/۲۸-۷۰). در این میان دو مفسر دستاورد حکمرانی از این آیه داشتند. آیت‌الله مکارم‌شیرازی قطع درختان را استثنائی از قوانین معروف اسلام در جنگ‌ها برشمرده و با اشاره به جریان بنی‌النضیر، به توطئه‌های امروز یهود پرداخته است، ایشان با الهام از سنت نبوی، تنها راه مقابله با آنان را برخورد قاطعانه می‌دانند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۹۶/۲۳-۴۹۹). آیت‌الله مدرسی هم با عبرت‌گیری از این واقعه تاریخی، به خطر شایعه‌پراکنی که موجب تضعیف روحیه جامعه می‌شود، تذکر داده و حکمی مرتبط با حکمرانی با عنوان «ضرورت تبیین»، استنباط کرده است که با این تبیین و بالا بردن سطح دانش مردم نسبت به وقایع و بازگویی واقعیت‌ها، شبهات و شایعات در وجود آنان اثری نخواهد داشت (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۲۵/۱۵-۲۲۲).

### ۵. ممنوعیت ایجاد شکاف طبقاتی

گردش ثروت در دست اغنیاء و بی بهره بودن عموم مردم و به ویژه فقرا از آن، سنتی جاهلی بود (مراغی، بی تا: ۳۹/۲۸) که موجب گسترش فقر در جامعه و در نتیجه ایجاد فاصله و شکاف طبقاتی عمیق در آن می شد. حکمرانی قرآنی در جهت براندازی این سنت جاهلی ضمن آیه ۷ و ۸ سوره حشر که به بیان مصارف «فِیء» می پردازد و در پاسخ به چرایی این نوع تقسیم، به ملاکی مهم در این زمینه اشاره می کند «کَی لَا یَكُونَ دُولَةً بَیْنَ الْأَغْنِیَاءِ مِنْكُمْ» «فِیء» به غنائمی که بدون جنگ در اختیار مسلمانان قرار می گیرد، می گویند (صدر، ۱۴۱۷: ۶۸۱). در ماجرای بنی النضیر هم یهود مجبور به ترک دیار شده و اموالشان بدون درگیری در اختیار مسلمانان قرار گرفت. خداوند متعال با نزول آیات یادشده، تکلیف این اموال را مشخص کردند. اما آنچه به عنوان اصل و قاعده حکمرانی در این آیه مطرح شد، ضرورت گردش اموال در میان عموم مردم و عدم تمرکز در دست ثروتمندان بوده که به عنوان ملاکی برای اجتهاد فقهی در زمینه مسائل اقتصادی در اختیار فقها قرار گرفته است. آیت الله خامنه ای هم در جایگاه مدیریتی، با اشراف به ضرورت این گردش عمومی ثروت از این ملاک استفاده نموده و با بیان این مطلب که رفع فقر از جامعه نشانه نظام اسلامی است، عدم تمرکز ثروت در دست عده ای خاص را از اصول و کلیات نگاه اسلامی به مسائل اقتصادی برمی شمارند و با تنقیح مناط، حکم فِیء را به اُنفال هم تسری می دهند که البته ریشه در روایات ما هم دارد (عاملی، حرّ، ۱۴۰۹: ۵۲۷/۹، ح ۱۲۶۳۶). اُنفال مانند جنگل ها، معادن، زمین های موات و ... شامل مواردی است که اختصاص به جایگاه امامت جامعه اسلامی دارد (عاملی، یاسین، ۱۴۱۳: ۲۴) و شاید بتوان ادعا کرد که با فِیء در اینکه مؤمنان تلاشی در ایجاد آن نکرده اند وحدت ملاک داشته باشد. از این رو این دو، پشتوانه مالی جایگاه معظم له است که او بهره شخصی چندانی از آن ندارد (مظفر، ۱۳۹۲: ۶۰) و بیش تر صرف مصالح عمومی جامعه می شود. ایشان با یادآوری روزگار پیش از انقلاب، عموم جامعه ایرانی را بی بهره از درآمد نفت که از اُنفال است دانسته و نحوه عمل رژیم طاغوت را در جهت خلاف عمل به این آیه کریمه برمی شمارند، زیرا ثروت نفتی ایران در اختیار خاندان شاه و عده ای از ثروتمندان بود که با گردش این اموال میان خود، روز به روز بر ثروتشان افزوده و بر فقر محرومان اضافه می گردید.

هر چند برخی مفسران به شرح واژگان اکتفا کرده (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۴/۱۹) و با اشاره به فرهنگ جاهلی، اختصاص فرماندهان و بزرگان از غنائم در چنین مواردی، مفاد آیه را در جهت مقابله با آن (مراغی، بی تا: ۳۹/۲۸) و لزوم صرف این غنائم در جهت مصارف عمومی جامعه دانسته اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۷۵/۲۸-۷۶).

اما برخی دیگر با اشاره به شأن نزولی که سران مسلمین درخواست تقسیم غنائم بین خود را داشتند، عبارت «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» را اصلی اساسی در نظام اقتصادی اسلام برشمرده‌اند که البته اقتضای تصرف بی‌ضابطه در اموال ثروت‌مندان را ندارد و بیانگر این مطلب است که اثر قهری عمل به احکام اقتصادی اسلام مانند خمس و زکات، گردش اموال و جلوگیری از شکاف طبقاتی است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۰۶/۲۳-۵۰۷). با توجه به شأن نزول یادشده، این فقره ردی است بر سنت جاهلی تقسیم غنائم میان بزرگان که تداوم این فرهنگ غلط موجب دل‌سردی فقرا از حضور در میادین نبرد و سبب زمین ماندن مصالح عمومی جامعه می‌شد (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰۷/۲۲). برخی دیگر از مفسران با عنایت به فقره ذکرشده به رد نظریه کمونیستی و سرمایه‌داری پرداخته و بنای نظام اقتصادی اسلام را بر پایه عدالت برشمرده‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲۸۶/۷-۲۸۷) و از ملاک یادشده به‌عنوان مناط استخراج احکامی مانند جلوگیری از احتکار، وضع مالیات و ... سخن به‌میان آورده‌اند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۳۰/۱۵).

#### ۶. ضرورت همدلی مؤمنان در جامعه اسلامی

پراکندگی قلب‌ها و کشمکش‌های اجتماعی، عامل فروپاشی نظام جامعه است که قرآن کریم هم نسبت به آن هشدار می‌دهد. «... وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (الأنفال: ۴۶) پیش از ظهور اسلام، عرب جاهلی دچار این پدیده ویرانگر بود که تاریخ حکایت‌ها از جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های آنان دارد. اما نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در سایه رهنمودهای قرآنی، موجب آفت میان قلب‌ها شد و با ابتکار برادری ایمانی موجب نجات آنان از پرتگاه تفرقه گردید. «... وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ... الْآيَةَ» (آل‌عمران: ۱۰۳) از نمودهای ممتاز این برادری، پیوند قلبی و عاطفی مهاجر و انصار است که خداوند متعال در آیه نهم سوره حشر با بیان سه ویژگی انصار در این رابطه، به تمجید از آنان پرداخته است. «وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَن هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَ يُوْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» آیت‌الله خامنه‌ای با برشمردن این سه صفت محبت، چشم و دل‌سیری و ایثار، آن‌ها را نشانه وجود وحدت و همدلی در میان مؤمنان دانسته و آن را مهم‌ترین مسأله در شکل‌گیری جامعه اسلامی برمی‌شمارد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۳۱). از این رو می‌توان گفت حکمرانی قرآنی اقتضا می‌کند برای شکل‌گیری و دوام نظام اسلامی، آحاد جامعه ایمانی با یکدیگر همدل و هم‌راستا بوده و از عوامل نزاع و کشمکش مانند پرداختن به تفاوت‌های نژادی، زبانی، فرهنگی و جغرافیایی پرهیز کنند و



براساس اصل اساسی برادری ایمانی، اگر جدال و نزاعی هم بین برادران پدید آمد، به هدف حفظ ثبات جامعه ایمانی در جهت برقراری صلح بین طرفین اقدام نمایند. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (الحجرات: ۱۰) معظم‌له در تشریح صفت ایثار که سومین و بالاترین صفت یادشده در آیه نهم سوره حشر است، ضمن بیان تفاوت انفاق و ایثار به اینکه در ایثار، با وجود نیاز خود، به دیگری می‌بخشی، یادآور فرهنگ طاغوتی منفعت‌طلبی و شخصی‌نگری پیش از انقلاب شده و بر ضرورت جایگزینی آن با فرهنگ ایثار که نیاز حیاتی جامعه اسلامی است تأکید می‌فرمایند.

در نگاه دیگر مفسران، آیه به سبب پذیرش برادری ایمانی از دل و جان، در مقام مدح و تمجید از انصار است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۸۲/۲۸) که موجب دلگرمی آنان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۵/۱۹). بروز و ظهور این صفات در ساکنان مدینه، ناشی از فضای اسلامی به وجود آمده در این شهر است که موجب برانگیختن احساسات عمیق عاطفی و محبت بین مسلمانان شده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱۴/۲۲) و این آیه، تصویری گویا از ویژگی‌های ممتاز انصار است که تاریخ نظیری برای این استقبال انصار از مهاجران سراغ ندارد و ضروری است که اُمت اسلامی در برادری و همدلی به این سلف خود اقتدا نمایند (قطب، ۱۴۲۵: ۳۵۲۶/۶-۳۵۲۷). برخی دیگر از مفسران در نتیجه‌گیری از این آیه، ترک بخل و حرص را سبب رستگاری دانسته و به نقل روایاتی در شأن نزول (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۵۲۱/۲۳) و نمونه‌هایی از ایثار انصار پرداخته‌اند. (مراغی، بی‌تا: ۴۳/۲۸-۴۴). آیت‌الله مدرسی در شرح مفصل‌تری در ابتدا مقدمه‌ای در هجرت مسلمانان به مدینه و توطنه‌های منافقان جهت اختلاف‌افکنی بین مهاجر و انصار از طریق برانگیختن احساسات وطن‌پرستی انصار بیان می‌دارد، توطنه‌هایی که با رهنمودهای نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خنثی شده است. ایشان در ادامه، این آیه را نمونه‌ای گویا از انسان‌سازی اسلام برمی‌شمارند که می‌تواند درسی همیشگی برای مؤمنان باشد تا نسل‌های آینده در حق یکدیگر حقوق برادری را رعایت کنند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۴۱/۱۵-۲۴۰).

#### ۷. پرهیز از خودفراموشی اجتماعی

خودشناسی انسان و خداشناسی او رابطه دوسویه دارد. از سویی خودشناسی مقدمه خداشناسی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲/۲، ب، ۹، ح ۲) و از سویی دیگر، خدا فراموشی موجب خودفراموشی می‌شود. «و لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (الحشر: ۱۹) انسانی که خدا را فراموش کند خالق و معبود خویش را از یاد می‌برد، پس رابطه بندگی و احساس نیاز به خداوند متعال را هم از دست داده، مصالح و منافع خویش را فراموش می‌نماید و عمر و مالش

را در مسیری صرف می‌کند که هیچ ثمره‌ای برای او ندارد. آیت‌الله خامنه‌ای با برشمردن مواردی مانند حُبِّ نفس، مال و ثروت، همسر و فرزند به‌عنوان عامل غفلت انسان از خویش، با عمق‌بخشی به مفهوم خودفراموشی شخصی، مفاد آیه را به خودفراموشی اجتماعی گسترش می‌دهند و آن را از بلیه‌های بزرگ بشری که باید به آن توجه داشت، برمی‌شمارند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۷۱). ایشان فراموشی اصلاح خویش و استعدادها و همچنین از یاد بردن زمینه‌های جوشش، انگیزش و رشد را از مصادیق خودفراموشی شمرده و با تطبیق این شرائط بر جامعه ایرانی پیش از انقلاب می‌فرمایند: «مثل آن حالتی که ملت ما پیش از انقلاب داشت؛ اصلاً یادش نبود که این یک ملت است، میلیون‌ها انسان است، دارای توان و قدرت است و می‌تواند در سرنوشت جهان مؤثر باشد. ... خودش را فراموش کرده بود. و نتیجه آن بود که در خوابِ خرگوشی بسیار خطرناک خفته بود و همه سرمایه‌های مادی و معنوی او را یغما می‌کردند و او توجه نداشت. همین وضعیتی که امروز بسیاری از مسلمانان عالم دچارش هستند.»

در ادامه معظّم‌له اشاره‌ای به برخی حوادث جهانی نموده و پیامد خودفراموشی ملت‌ها را چنین ترسیم می‌کنند:

«وقتی یک ملت دچار خودفراموشی می‌شود و از شخصیت خودش، از حرمت خودش و از توانایی خودش فراموش می‌کند، نتیجه این می‌شود که در یک شهر ششصد هزار نفری بیروت صهیونیست‌ها در ظرف دو ساعت بر همه‌جا مسلط می‌شوند. آن مقاومت‌ها چه شد؟» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۹۶-۱۹۷)

حال چه کنیم که دچار این خودفراموشی نشویم؟ راهکار در آیه قبل ارائه شده است. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (الحشر، ۱۸) رعایت تقوای الهی موجب زنده نگه داشتن شمع ایمان در قلوب مؤمنان می‌شود و رابطه بندگی ایشان با خداوند متعال را حفظ می‌کند. در نتیجه شخص و ملتی که تقوای فردی و اجتماعی را مراعات نماید، از خودفراموشی در امان است.

در بررسی تفاسیر دیگر درمی‌یابیم که هیچ‌یک از مفسران به بُعد اجتماعی خودفراموشی التفاتی نداشته و به شرح مختصری اکتفا نموده (مراغی، بی تا: ۵۳/۲۸) و یا به بیان آثار این خودفراموشی مانند فرو رفتن در لذات مادی، فراموشی هدف از آفرینش انسان و ... پرداخته‌اند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۴۱/۲۳-۵۴۰) (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۳۲/۲۲-۱۳۱). در این میان برخی مفسران به تبیین ارتباط خدا فراموشی با خودفراموشی پرداخته و معتقدند انسان با از یاد بردن اسماء و صفات الهی مرتبط با حیات ذاتی او، فقر ذاتی خویش را از یاد برده و دچار اعتماد به نفس کاذب می‌شود، در نتیجه

در جایی که باید به خداوند متعال اعتماد کند، به غیر او تکیه می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۹/۱۹-۲۲۰). سید قطب در ارتباط با آیه قبل، خدا فراموش را سرگردانی بدون ارتباط با افق اعلی می‌داند که هدفی در زندگی ندارد و طبیعتاً ذخیره‌ای برای زندگی حقیقی اخروی فراهم نمی‌آورد (قطب، ۱۴۲۵: ۳۵۳۱/۶). ابن عاشور خدافراموشی را بیماری منافقان و یهود دانسته که در نتیجه آن، خداوند متعال توانایی درک هدایت اسلامی را از آنان دریغ می‌دارد، پس قادر به تشخیص مصلحت دنیا و آخرت خویش نخواهند بود (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۰۱/۲۸). آیت‌الله مدرسی تعبیر «ان سُوا اللّٰهَ فَاَنْسَاهُمْ اَنْفُسَهُمْ» از ریشه «نسیان» را اشاره‌ای به وجود ایمان و یاد آن در ذاکره و فطرت انسان می‌داند که با غفلت یا شهوت از آن کناره می‌گیرد، ایشان خدا فراموشی را در عدم تقوا، عدم آمادگی برای قیامت، مسئولیت‌ناپذیری در برابر اعمال می‌دانند که خودفراموشی اثر قهری این خدافراموشی است، زیرا انسان با فراموشی قطب محوری، خود به خود جذب قطب‌های دیگر شده و از مسیر مصلحت خود منحرف می‌شود (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۷۱/۱۵-۲۷۰).

### نتیجه‌گیری

رویکرد مفسّر در تفسیر اجتماعی کشف حل‌المسائل آسیب‌ها و مشکلات جامعه از قرآن کریم و ارائه برنامه زندگی جمعی جامعه اسلامی از طریق آموزه‌های قرآنی است. در روش دستیابی به این اهداف، ابزار مشترکی وجود دارد که کم و بیش همه مفسران از آن بهره می‌برند. اما آنچه یک تفسیر را از سایر تفاسیر متمایز می‌سازد، ارائه هرچه بیش‌تر و دقیق‌تر راهکارها و برنامه‌ها با تدبّر در آیات و تطبیق قضایا و حکایات قرآنی بر مسائل جاری جامعه و مشکلات آن است که تفسیر سوره حشر آیت‌الله خامنه‌ای از آن به خوبی برخوردار است. در این تفسیر شاهدیم که سنت‌های تاریخی و الهی با تعمق در آیات استخراج شده و بر حوادث جاری جامعه تطبیق می‌شود. همچنین قواعدی مستند از حکمرانی قرآنی به روشنی تبیین گردیده و در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد و سبب امتیاز این تفسیر از سایر تفاسیر اجتماعی می‌گردد. ما در این مقاله به شانزده عنوان از این قواعد حکمرانی اشاره کرده و به تشریح هفت قاعده با تطبیق بر آراء سایر مفسران پرداختیم که عبارتند از:

ردیف	قواعد حکمرانی در تفسیر سوره حشر آیت الله خامنه‌ای	سطح دریافت (تفسیر، تدبر، تطبیق)	اشتراک یا امتیاز تفسیر رهبری با دیگر تفاسیر
۱	غلبه قوانین الهی	تدبر	دیدگاه اختصاصی رهبری
۲	ضرورت تکیه بر توده مردم و توجه به دشمنی برخی روشنفکران	تطبیق	دیدگاه اختصاصی رهبری استخراج حکم وجوب جهاد با یهود صهیونیست در صورت دست‌درازی به مسلمانان
۳	فلسفه جهاد اسلامی، مبارزه با دشمنان خدا	تدبر و تطبیق	دیدگاه اختصاصی رهبری تنها برخی به ریشه دشمنی‌ها اشاره نموده‌اند
۴	اجتناب‌ناپذیر بودن دفع افسد به فاسد	تطبیق	دیدگاه اختصاصی رهبری توجه دادن مکارم شیرازی به ضرورت برخورد قاطعانه با یهود صهیونیست و استخراج قاعده حکمرانی «ضرورت تبیین» در جهت جلوگیری از شایعات توسط مدرّسی
۵	ممنوعیت ایجاد شکاف طبقاتی	تدبر	توجه دیدگاه رهبری به ملاک «کَیْ لَا یُکُونُ دُولَةً بَیْنَ الْأَغْنِیَاءِ مِنْکُمْ» و اشتراک دیدگاه ایشان با برخی در تنقیح مناط از این ملاک
۶	ضرورت همدلی مؤمنان در جامعه اسلامی	تفسیر	دیدگاه اختصاصی رهبری برخی به بیان عوامل پیدایش صفات یاد شده در آیه و نمونه‌های تاریخی پرداخته‌اند
۷	پرهیز از خودفراموشی اجتماعی	تدبر	دیدگاه اختصاصی رهبری در گسترش خودفراموشی فردی به خودفراموشی اجتماعی

## منابع

## کتاب‌ها

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. چاپ اول. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۳. خامنه‌ای، علی. (۱۴۰۱ش). تفسیر سوره‌ی حشر. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی.
۴. خامنه‌ای، علی. (۱۳۹۳ش). مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در تفسیر سوره توبه. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی.
۵. اصفهانی، حسین بن محمد راغب. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیة.
۶. صدر، شهید سید محمد باقر. (۱۴۱۷ق). اقتصادنا. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
۸. عاملی، حرّ. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم‌السلام.
۹. عاملی، یاسین عیسی. (۱۴۱۳ق). الاصطلاحات الفقهیة فی الرسائل العملیة. چاپ اول. بیروت: دار البلاغة للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۰. فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. چاپ اول. بیروت: دار الملائک.
۱۱. قطب، سید. (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. چاپ سی و پنجم. بیروت: دار الشروق.
۱۲. مؤدّب، سید رضا. (۱۳۸۰ش). روشهای تفسیر قرآن. چاپ اول. قم: اشراق.
۱۳. مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. چاپ اول. تهران: دار محبب‌الحسین.
۱۴. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق) بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۵. مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.
۱۶. مظفر، محمود. (۱۳۹۲ق). إحياء الأراضی الموات. چاپ اول. قاهره: المطبعة العالمیة.
۱۷. معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۷ش). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب. چاپ اول. مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة.
۱۸. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). التفسیر الکاشف. چاپ اول. قم: دار الکتب الإسلامی.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. چاپ دهم. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

## مقالات علمی

۲۰. اخترشهر، علی. (۱۴۰۱ش). اصول و روش حکمرانی مطلوب در انقلاب اسلامی با رویکردی بر اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه. شماره ۳۷. صفحات ۱۵۸-۱۷۸.

۲۱. ستاریان، محمدامین، گرجی ازندریانی، مهدی. (۱۴۰۲ش). پیاده‌سازی رویکردی نسخ مشروط در استخراج اصول حکمرانی با محوریت سوره براءت در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی). فصلنامه علمی پژوهش‌نامه فقه و علوم اسلامی. شماره ۴. صفحات ۱۳۱-۱۴۵
۲۲. محمدی، نرگس. (۱۴۰۲ش). بررسی گرایش‌ها و روش‌های تفسیری مقام معظم رهبری. مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی. شماره ۴۸. صفحات ۹۹-۱۱۱.
۲۳. میرصفی، سیده فاطمه حسینی. (۱۳۹۳ش). گرایش اجتماعی در المیزان فی تفسیر القرآن. دو فصلنامه علمی. تخصصی اندیشه علامه طباطبائی (ره). شماره اول. صفحات ۱۳۱-۱۴۵.
۲۴. نوده فراهانی، امیر. (۱۴۰۰ش). شاخص‌های حکمران و حکمرانی اسلامی با نگاهی به آرای مقام معظم رهبری. مقالات اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی. بارگذاری شده در تارنمای: <https://governanceschool.ir/fa>.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی